شناسایی عاملان شهادت مأمور پلیس بعد از ۱۲ سال

عاملان شهادت مدافع امنیت در کرمان که ۱۲ سال فراری بودند، سرانجام بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی مرداد ۱۳۸۸ در پی تردد شبانه اشرار مسلح حامل مواد مخدر از ارتفاعات حاشیه روستای چاه بهرام شهرستان سیرجان به سمت استان فارس و طی عملیات تعقیب و مراقبت و درگیری مأموران پاسگاه خیرآباد با آنها، علیرضا کورکی نژاد به شهادت رسید. قاچاقچیان آن موقع خودروی حامل محموله مواد مخدر را آتش زده و فرارکردند. ۱۲ سال پلیس به دنبالشان بود تا این‌که مأموران پلیس آگاهی سیرجان طی چند مرحله، هفت رابط و پناه دهنده این قاچاقچیان را در حوزه استان‌های فارس، بوشهر، تهران و هرمزگان شناسایی و دستگیر کردند. سرانجام دو شرور اصلی را که عاملان شهادت این مأمور بودند دریکی از استان‌های شرقی کشور شناسایی کردند و آنها بازداشت شدند. متهمان در بازداشت پلیس به سر می‌برند و تحقیقات از آنها درباره جرایمشان ادامه دارد.

عکس‌ها: جام جم

گزارشی از حادثه آتش سوزی در کارگاه فوم‌سازی و مرگ تلخ ۶ زن و مرد

تراژدی غمبار در کرشت

محمد غمخوار

حوادث

«راه رو باز کنید، خودم پدرم را نجات میدم. فقط یه کلنگ به من بدید تا دیوار رو خراب کنم. زود باشید، پدرم داره می‌میره.» فریادهای دختر نوجوان و خواهرش در میان صدای آژیر ماشین‌های آتش نشانی و آمبولانس‌های اورژانس خاموش شد اما شعله‌های آتش و دود هر چه زمان می‌گذشت بیشتر زبانه می‌کشید. خانواده ۱۱ زن و مردی که در میان شعله‌های آتش کارگاه فوم سازی گرفتار شده بودند، شیون کنان و هراسان به عملیات آتش نشانان چشم دوخته بودند و هر چه زمان می‌گذشت امیدشان رنگ می‌باخت. دختران یکی از کارگران که در میان شعله‌های آتش گرفتار شده بودند، از اهالی بیل و کلنگ می‌خواستند تا دیوار پشتی را خراب کنند. کارگران ساختمان کناری شنیده بودند که گرفتاران آتش خود را به دیوار انتهایی کارگاه رسانده و درخواست کمک کرده بودند.

چند نفر با سنگ، شیشه‌های کارگاه را شکستند تا دود خارج شود و کارگران خفه نشوند اما ریزش ناگهانی سقف انتهای کارگاه، کورسوی امیدی را که وجود داشت از بین برد. آتش نشانان در لحظات اولیه عملیات خود توانستند پنج نفر را از داخل کارگاه خارج کنند. یک نفر از آنها دچار سوختگی شدید شده بود و چهار نفر دیگر سوختگی سطحی داشتند. یکی از مصدومان از امدادگران درخواست می‌کرد به عروس و پسرش که در کارگاه گرفتار شده‌اند، کمک کنند. سرانجام پس از حدود ۴۰ دقیقه شعله‌های آتش مهار شد و آتش نشانان با ورود به کارگاه با صحنه تلخی رو به رو شدند. شش زن و مردی که در آتش گرفتار شده بودند، برای نجات از مرگ خود را به میز کاری که در انتهای کارگاه بود، رسانده و در زیر آن پناه گرفته بودند اما دود زیاد و شعله‌های آتش مرگ آنها را رقم زده بود و جسدها قابل شناسایی نبودند.

۳ زن و ۳ مرد قربانی آتش سوزی

ساعت ۱۲ ظهر دوشنبه، ۳۰ فروردین، کرشت، بلوار خلیج فارس. تراژدی در روستا همه اهالی را به زمین فوتبال کنار سوله کشانده است. آتش نشانان با توجه به احتمال ریزش دیوار، اهالی را از منطقه دور می‌کنند. خانواده قربانیان سراغ پدر، مادر و همسر را می‌گیرند. با دستور قضایی، خودروی انتقال اجساد وارد حیاط کارگاه شده و اجساد سوخته قربانیان را برای تشخیص هویت به پزشکی قانونی انتقال می‌دهند. یکی از امدادگران می‌گوید: شدت سوختگی به حدی است که جنسیت اجساد قابل تشخیص نیست. تمام اجساد در یک نقطه قرار داشتند و برخی همدیگر را در آغوش گرفته بودند. یکی از تلخ‌ترین صحنه‌هایی بود که در سال‌های اخیر در جریان امدارسانی دیده بودم.

اجساد قابل شناسایی نبودند

مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس کشور که در محل حادثه حضور داشت به خبرنگار جام جم گفت: ساعت ۱۱ و ۳ دقیقه دوشنبه آتش سوزی در یک کارگاه فوم سازی در کرشت به اورژانس گزارش شد و با توجه به وسعت آتش سوزی بلافاصله چهار دستگاه آمبولانس، یک دستگاه اتوبوس آمبولانس و یک فروند بالگرد به منطقه اعزام شدند. متاسفانه بی‌احتیاطی در استفاده از چسب و رزین باعث آتش سوزی گسترده شد و سه زن و سه مردی که در کارگاه بودند، وقتی مسیر خروج را شعله ور می‌بینند به قسمت انتهایی می‌روند که در آنجا فوت می‌کنند. اجساد قابل شناسایی و تفکیک نبودند و به پزشکی قانونی انتقال یافتند.

وی ادامه داد: پنج کارگر هم دچار مصدومیت شدند که سه نفر در محل مداوا شده و یک نفر با بالگرد به بیمارستانی در تهران انتقال یافت و پنجمین نفر که دچار ۲۰ درصد سوختگی شده بود با آمبولانس به بیمارستان انتقال یافت.

اهالی چه گفتند؟

مردی که در همسایگی محل حادثه مصالح فروشی دارد، می‌گوید: ابتدا دود از کارگاه بلند شد. فکر کردیم خودشان آتش روشن کرده‌اند اما خیلی زود شعله‌های آتش از سقف شروع به زبانه کشیدن کرد. صدای کمک خواهی شنیدم و با برداشتن کلنگی سعی کردم دیوار را تخریب کنم و آنها را نجات دهم. اما دیوار سفت بود و ضربه‌های کلنگ کارساز نبود. در قسمت بالایی دیوار پنجره‌های بزرگی بود که به ذهنمان رسید شیشه‌های آن را شکسته تا دود خارج شود اما این کار هم فایده‌ای نداشت و بعد از چند دقیقه سقف سوله بر اثر شدت گرما فروریخت.

یکی دیگر از اهالی که قربانیان را می‌شناخت، گفت: قربانیان از اهالی همین روستا هستند. هر روز صبح به این کارگاه می‌آمدند و تا عصر کار می‌کردند. سه زن و حدود هفت مرد در اینجا کار می‌کردند. یکی از زنان ۵۰ ساله و زن دیگر حدود ۴۵ سال داشت. سومین زن همراه شوهرش در این کارگاه کار می‌کردند که هر دو جان باختند. یکی از آشنایانشان که به اینجا آمده بود، می‌گفت زن جوان باردار بوده است.

یکی دیگر از همسایه‌ها ادامه داد: «بعد از آتش‌سوزی صدای داد و فریاد شنیدم و فکر کردم اهالی هستند، اما وقتی به سوله نزدیک شدم، متوجه شدم کارگران هستند که در میان آتش و دود گرفتار شده‌اند و درخواست کمک دارند. آن‌طور که من شنیدم، بعد از آتش‌سوزی کمپرسور منفجر می‌شود و مسیر خروج کارگران را مسدود می‌کند.»

گلایه از کمبود امکانات

برخی اهالی از نبود امکانات در روستا گلایه دارند و می گویند؛ اگر امدارسانی زودتر انجام می‌شد، شاید کارگران زنده بودند. مرد سالخورده‌ای که گرد پیری روی چهره و موهایش نشسته، می‌گوید: این روستا در نزدیکی پردیس و تهران است اما از نظر امکانات با مشکلاتی رو به روست. چرا نباید در اینجا یک ایستگاه آتش نشانی داشته باشیم. وقتی ماجرا را به آتش نشانی خبر دادیم، بعد از حدود یک ربع اولین ماشین آمد که برای مهار این حجم آتش کافی نبود و چند دقیقه بعد کم کم خودروهای دیگر آمدند. این حادثه تلخ‌ترین حادثه در روستای کرشت است که همه اهالی را داغدار کرد. اگر بعد از این، به فکر ایمنی کارگاه‌های اینجا و راه اندازی اورژانس و آتش نشانی نباشیم، شاید حوادث مشابه دیگری را شاهد باشیم.

زن جوان پس از سال‌ها امانتداری کیف گمشده را به صاحبش رساند

۲۵ سال در جست‌وجوی صاحب کیف

معصومه ملکی

حوادث

زن پاکدست دزفولی بعد از ۲۵ سال امانتداری کیف گمشده را به پسر صاحب آن رساند. صاحب کیف در این سال‌ها فوت شده بود و پسرش که مامور پلیس تهران است کیف را تحویل گرفت.

به گزارش خبرنگار جام جم، این زن ۴۱ ساله، ۲۵ سال قبل کیفی که گوشواره‌هایی در آن بود را در بازار دزفول پیدا کرد. در این سال‌ها امانتداری کرد و اموال را نگهداری نمود تا این‌که چند روز مانده به ماه رمضان امسال با آگهی در فضای مجازی و انتشار عکس‌های خانوادگی موجود در کیف توانست پسر صاحب کیف را پیدا کند و آن را تحویلش دهد.

سروان مهرداد موگویی، از ماموران کلانتری مجیدیه تهران است که کیف گمشده مادرش بعد از ۲۵ سال به دست او رسید. او به خبرنگار ما گفت: ساکن شهرستان گلپایگان بودیم. سالی که کیف گم شد، نوجوان بودم و با والدین و خواهرم برای دیدن اقوام پدری به اندیمشک رفتیم. روزهای آخر در دزفول در خانه دخترعمویم بودیم. من و مادرم برای خرید به بازار رفتیم که کیف او گم شد. هرچه جست‌وجو کردیم، کیف پیدا نشد و به شهرمان بازگشتیم. در کیف نسخه و نوار قلب مادرم، تعدادی عکس‌های خانوادگی و گوشواره‌های طلا بود. مادرم سال ۸۳ فوت شد و در این سال‌ها فکر نمی‌کردم کیف پیدا شود. چند روز پیش از طریق دختردایی‌ام که ساکن شهرستان گلپایگان بود فهمیدم فردی ماجرای کیف گم‌شده را در سایت اینترنتی بازگو و عکس‌های مادرم که در آن کیف بوده را منتشر کرده است. به آن زن که کیف را یافته بود زنگ زدم. برای اثبات حرف‌هایم عکس قدیمی مادرم، شناسنامه و سنگ قبرش را فرستادم. با اطمینان از ماجرا، او کیف را به دخترعمویم در دزفول رساند تا به ما تحویل دهد. او ۲۵ سال امانتداری کرد و حتی نخواست مژدگانی بگیرد. ارزش گوشواره‌ها اکنون ۲۰ میلیون تومانی می‌شود. وقتی او مژدگانی را رد کرد، تصمیم گرفتم که ۱۰ میلیون تومان به یک موسسه ایتام هدیه کنم.

۲۵ سال امانتدار بودم

مریم ۴۲ ساله که در این سال‌ها به دنبال صاحب کیف بود هم به جام جم گفت: کیف را با مادرم در بازار دزفول پیدا کردیم. از مردم و مغازه‌داران پرس‌وجو کردیم اما صاحبش را پیدا نکردیم. از مخابرات تلفن‌های مشابه فامیلی صاحب کیف را یافته و زنگ زدیم اما به صاحب آن نرسیدم. عکس‌های داخل کیف همراهم بود و در بازار به امید پیدا کردن ردی از مالک، کیف را به مردم نشان می‌دادم. برخی می‌گفتند کیف مال آنهاست و می‌خواستند آن را تصاحب کنند. یکی می‌گفت برای خودت بردار اما وجدانم اجازه نمی‌داد. در این سال‌ها امانت کیف روی دوشم سنگینی می‌کرد. مشکل مالی داشتم اما به آن امانت خیانت نکردم. برخی اقوام می‌گفتند مالک را نیافتی گوشواره‌ها را بفروش و برایش خیرات بده که قبول نکردم و گفتم اگر مرده باشد باید به ورائش تحویل دهم. از یک سال پیش هرازگاهی آگهی اینترنتی می‌دادم. در آگهی آخر عکس‌های همراه کیف را منتشر کردم که پسر صاحب کیف پیدا شد و امانت بعد از ۲۵ سال به آنها رسید. من با خدا معامله کردم و خوشحالم در برابر امتحان ۲۵ ساله‌اش روسفید شدم.

سرقت گوشی برای هدیه روز مادر

پسر جوان که برای هدیه روز مادر، گوشی مسافری را سرقت کرده بود در جلسه محاکمه درخواست بخشش کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل و با گزارش سرقت از مرد مسافری آغاز شد. شاکی به ماموران گفت: از فیروزکوه به مقصد یکی از شهرهای شمالی سوار پرایدی شدم که راننده در میان راه تغییر مسیر داد و در محل خلوت با تهدید چاقو، گوشی تلفن همراهم را سرقت کرد.

ماموران با ردیابی گوشی سرقت‌شده به پیرزن ۷۰ ساله‌ای رسیدند که او در تحقیقات گفت: پسرم این گوشی را به‌عنوان هدیه روز مادر به من کادو داد. من نمی‌دانستم گوشی را چطور به دست آورده است.

در ادامه پسر این زن نیز دستگیر شد و با اعتراف به این سرقت گفت: بعد از فوت پدرم، از مادر پیرم نگهداری می‌کردم. کار درست و حسابی نداشتم و گاهی مسافرکشی می‌کردم. روز مادر، پولی نداشتم تا برای مادرم کادو بخرم. به فکر سرقت افتادم و با تهدید، گوشی تلفن مسافر را سرقت کردم تا به مادرم کادو بدهم. به دلیل این‌که سابقه‌دار نیستم فکر نمی‌کردم پلیس مرا شناسایی کند. مادرم از ماجرا خبر نداشت و مقصر نیست.

پرونده این سرقت برای رسیدگی به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه دادگاه، شاکی شکایت خود را مطرح کرد و متهم گفت: برای خوشحال کردن مادرم دست به این کار زدم. از کار خود پشیمانم و درخواست بخشش دارم. می‌دانم کارم اشتباه بود.

در ادامه وکیل متهم نیز از شاکی خواست او را ببخشد و گفت: مادر متهم سالخورده و تنها است. او برای خوشحال کردن مادرش کار اشتباهی کرد که باعث شد به دردسر بیفتد. درخواست دارم او را به خاطر مادرش ببخشید.

در پایان قضات چند روز به شاکی فرصت دادند که اگر می‌تواند، متهم را ببخشد و بعد از این فرصت حکم صادر کنند.

۳ قتل در پرونده گلفروش فراری

مرد گلفروش در جریان دعوای خیابانی با سه پسر جوان آنها را با ضربه‌های چاقو کشت. همدست متهم به قتل مدعی‌شده، مقتولان قصد داشتند به‌زور از آنها گل بگیرند.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه یکشنبه بیست‌ونهم فروردین امسال درگیری در محله سبلان شمالی ابتدای خیابان ساداتی به پلیس تهران گزارش شد. ماموران کلانتری نامجو سریع به محل اعزام شده و با حضور نیروهای امدادی اورژانس افراد زخمی که سرنشینان خودروی پژو بودند به بیمارستان امام حسین(ع) منتقل شدند. تحقیقات محلی نشان می‌داد متهمان گلفروش بودند و با سوارشدن به خودروی نیسان فرار کردند. همزمان با شروع تحقیقات از بیمارستان خبر رسید که سه مصدوم حادثه فوت کردند.

وقوع این جنایت به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد و در ادامه ماموران خودروی نیسان را توقیف و راننده آن را بازداشت کردند. متهم بازداشتی دیروز در جریان تحقیقات در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران گفت: متادون مصرف می‌کنم. از شهرستان برای کار به تهران آمدم. یکی از دوستانم به نام احمد در تهران گلفروشی می‌کرد. نزد او آمدم و قرار شد با هم کار کنیم. روز درگیری از شمال بارکود آوردم و بعد از خرید گل و گلدان در محله نظام‌آباد بساط کردیم. شب خودروی پژویی با سه سرنشین مقابل‌مان توقف کرد.

یکی از سرنشینان پژو، دو گلدان داخل صندوق عقب گذاشت و می‌خواست گلدان سوم را داخل خودرو بگذارد که احمد متوجه شد. از او پول خواست که مرد جوان مدعی شد و دو دوستش هم وارد درگیری شدند اول گلدان‌ها را می‌برد و اگر خوشش آمد پول می‌دهد. احمد این اجازه را به او نداد و با هم درگیر شدند.

آنها مرا هم کتک زدند. نمی‌دانم چه شد که احمد با چاقو آنها را زد و از ترس فرار کردیم. در میان راه احمد از خودرو پیاده شد و ماموران مرا دستگیر کردند.

تحقیقات پلیس درباره ادعاهای متهم ادامه دارد.

۱۱۰

هتک حرمت روحانیت برای پناهندگی

پدر و پسری که با تهیه و انتشار فیلم سیلی زدن به صورت یک روحانی، در فضای مجازی جنجال به پا کرده بودند از سوی پلیس فتای تهران شناسایی و دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، دو روز قبل فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن پسر جوانی به صورت یک روحانی سیلی می‌زند. با شروع تحقیقات دراین‌باره مشخص شد فیلم ساختگی است و توسط پدر و پسری بازی و فیلمبرداری شده است.

به گفته رئیس پلیس تهران، این فیلم را یک پدر و پسر بازی کردند که پدر نقش یک روحانی و پسر نقش یک جوانی را ایفا می‌کرد که به صورت این روحانی سیلی می‌زند و با ورود پلیس فتا در کمترین زمان شناسایی و دستگیر شدند.

سردار حسین رحیمی افزود: این افراد قصد داشتند این تصاویر را به منظور خروج از کشور و پناهندگی در کشور دیگر استفاده کنند. این افراد با انتشار این تصاویر قصد تعرض و بی‌حرمتی به مقام شامخ روحانیت را داشتند که بلافاصله پلیس در یک اقدام عملیاتی ۱۰ نقطه از محل‌هایی که امکان حضور این افراد را می‌داد جست‌وجو کرد و درنهایت این پدر و پسر در منزلی که در حال استراحت بودند و قصد داشتند به غرب کشور بروند، دستگیر شدند.

سردار رحیمی گفت: هشدار جدی می‌دهیم به کسانی که فریب دروغین معاندان را می‌خورند و پلیس اجازه جولان در فضای مجازی را به این افراد نمی‌دهد و با تمام قوا و در کمترین زمان این افراد را شناسایی و دستگیر خواهد کرد.

کوتاه از حوادث

یک قصابی که اقدام به فروش حیوانات حرام‌گوشت کرده بود، پلمب شد. یکی از شهروندان ساکن محدوده غرب تهران از فعالیت غیرقانونی یک واحد صنفی قصابی در حوالی بلوار مرزداران و فروش گوشت آبزیان حرام‌گوشت به پلیس اطلاع داد. پس از اطلاع، مأموران معاونت نظارت بر اماکن عمومی پلیس تهران بررسی‌ها را آغاز کردند. معلوم شد مالک این واحد صنفی اقدام به فروش گوشت آبزیان حرام‌گوشت به مشتریان خودکرده و با هماهنگی انجام‌شده از سوی دادستان و سرپرست دادسرای ناحیه ۱۹ تهران و کارشناسان سازمان دامپزشکی استان تهران، واحد صنفی پلمب شد. ۲۲ کیلوگرم گوشت ماهی مرکب از این واحد صنفی کشف و متصدی هم به دادسرا معرفی شد.

شرور سابقه‌دار ملقب به خرس از سوی مأموران پایگاه امنیت عمومی کرمان بازداشت شد. مأموران پایگاه امنیت عمومی شهرستان کرمان یک نفر از اراذل واوباش سابقه‌دار با جرایم متعدد ازجمله ایجاد رعب و وحشت، عربده‌کشی، نزاع و درگیری، تهدید به قتل، آدم‌ربایی، ایجاد مزاحمت برای نوامیس، قدرت‌نمایی با سلاح در فضای مجازی، ایراد خسارت به اموال و اخلال در نظم عمومی و آتش زدن یک خانه را که تحت تعقیب بود، شناسایی و هنگامی‌که مزاحم یک زن شده بود، دستگیر کردند.

مردی که با فریب پزشکان از آنها کلاهبرداری می‌کرد، بازداشت شد. گزارش‌هایی در دستور کار مأموران کلانتری استان کرمانشاه قرار گرفت که نشان می‌داد مردی در استان‌های مختلف کشور پزشکان را فریب داده و از آنها کلاهبرداری کرده است. او تحت تعقیب بود تا این‌که سرانجام دریکی از روستاهای کرمانشاه بازداشت شد. تاکنون ۱۲ نفر از این مرد که پزشک قلابی بود، شکایت کرده‌اند. متهم به بهانه‌های مختلف از آنها یک میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است. او در آخرین اقدام مجرمانه‌اش می‌خواست خودروی مزدا ۳ و مبلغ ۷۰ میلیون تومان پزشکی را هم تصاحب کند که ناکام مانده و بازداشت شد.

زن جوان، قربانی نقشه شیطانی مرد همسایه

مرد شیطان‌صفت وقتی نتوانست نقشه خود را عملی کند، زن جوان را خفه کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، زن ۴۰ ساله‌ای اوایل فروردین امسال از خانه‌شان در تهران بیرون رفت و ناپدید شد. با شکایت خانواده‌اش در دادسرا، تحقیقات برای یافتن او آغاز شد. دو هفته بعد جسد مجهول‌الهویه او که توسط پلیس شهرستان آبیک پیدا شده بود توسط خانواده‌اش شناسایی شد. شواهد نشان می‌داد که او کشته شده است. سه روز پیش مردی که آخرین‌بار با مقتول دیده شده بود شناسایی و بازداشت شد و دیروز اعتراف کرد و گفت: با دیدن زن همسایه در خیابان به بهانه این‌که می‌خواهم مبلمانم را بفروشم از او خواستم عکس بگیرد و آگهی آن را در فضای مجازی منتشر کند. به من اعتماد کرد و به خانه‌ام آمد. بعد از آن وقتی ما تنها شدیم وسوسه شدم او را مورد آزار و اذیت دهم که متوجه نیتم شد. با من درگیر بود و فریاد می‌زد تا از همسایه‌ها کمک بخواهد که خفه‌اش کردم. جسدش را هم به آبیک برده و آنجا رها کردم.

متهم با دستور بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی تهران شد.